

بارها شنیده‌ایم که می‌گویند علم خصلت انسانیت را از افراد بشر خواهد گرفت و آنها را به اعدادی بی‌ارزش تبدیل خواهد کرد. این قضاوت به طرز غم‌انگیز و مصیبت‌باری اشتباه است.

خودتان قضاوت کنید. تبعیدگاه و کوره‌های آدم‌سوزی آشویتس را به یاد آورید. در آنجا بود که افراد بشر به اعدادی بی‌ارزش تبدیل می‌شدند. در مرداب آن خاکسترهای چهارمیلیون انسان مدفون گشته‌است. عامل اصلی این کشتار گازه‌های مرگ‌آور نیست، بلکه گستاخی انسان‌هاست. هنگامی که بشر فکر کند به حقیقت مطلق دست یافته‌است طرز رفتارش جزاین نمی‌تواند باشد. این عمل از آن کسانی است که به دانش مطلق خدایان چشم طمع دوخته‌اند.

علم نوعی آگاهی انسان بر طبیعت است که در آن کیفیت انسانی یعنی محدود بودن آن به خوبی به چشم می‌خورد. ما همواره در مرز آنچه که شناخته شده است قرار داریم و کورمال کورمال به سوی ناشناخته‌ها پیش می‌رویم. نفس علم در قابلیت انسان در درک حقیقت و تواضع او در باز شناختن اشتباهات خویش است.

من به عنوان یک دانشمند به افراد بیشمار فامیل خود که در آشویتس جان سپردند مدیونم که به عنوان شاهد یک فاجعه عظیم که فقط بر حسب اتفاق از آن جان سالم به در برده‌ام در کنار این مرداب بایستم و بگویم: ما باید از طمع دست‌رسی به حقیقت‌های مطلق و قدرت کامل دست برداریم. باید فاصله عظیمی را که بین فرمان به فشار دادن یک دکمه و اعمال انسانی وجود دارد باز شناسیم. ما به عنوان افراد بشریت باید بتوانیم اعماق وجود یک دیگر را درک کنیم.

برگرفته از کتاب «عروج انسان» نوشته ژاکوب برونوفسکی ترجمه سیاوش مشفق